

۱۶۷۹۶

نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد	مجله
۱۳۵۵	تاریخ نشر
۱۸	شماره
	شماره مسلسل
مشهد	محل نشر
فارسی	زبان
علی البرزآبی	نویسنده
از صفحه ۴۳ - ۵۷	تعداد صفحات
(۱-۲) فضیلت و طهارت اهل بیت (ع) (۲)	موضوع
	سرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات

فضیلت و طهارت اهل بیت

- ۲ -

در بخش اول این گفتار پیرامون آیه تطهیر و این که بیشتر مفسران و دانشمندان اسلام نزول آیه مزبور را دوشان پیغمبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می‌دانند بتفصیل و بزادگر اخبار و روایات معتبر بحث کافی بعمل آمد، اینک در دنبال آن، چند آیه دیگر که در ستایش اهل بیت وارد شده است می‌آوریم و پس از آن بذكر پاره‌یی از اخبار و روایات در همین زمینه از کتب معتبر اهل سنت می‌پردازیم.

آیه دوم - ... قل لا اسالکم علیہ اجرًا الا المودة فی اقربی ومن یقرف حسنة نزد له فیها حسنا، ان الله غفور شکور^۱.

(ترجمه: بگو [ای پیغمبر] من از شما پاداشی برای تبلیغ رسالت نمی‌خواهم مگر دوستی نزدیکان و اهل بیتم را. و هر کس کار نیکی (دوستی اهل بیت) انجام دهد، پاداش او را زیاد می‌کنیم همانا خداوند آمرزنده و پاداش دهنده (شکر بندگان) است).
در کتاب الصواعق المحرقة ابن حجر عسقلانی از بزرگان و دانشمندان اهل سنت ص ۱۰۱ بنقل از ابن عباس: مقصود از اقتراف (اکتساب) حسنه در آیه ذکر شده دوستی اهل بیت بیان شده است.^۲

۱- سوره شوری آیه ۲۲ .

۲- فضائل الخمسة من الصالح السنه، سید مرتضی حسینی فیروزآبادی - ج ۲ ص ۶۷، چ تهران.

زمخشری در تفسیر معروف خود، کشاف و سیوطی در کتاب الدر المنثور در تفسیر آیه: قل لاسالکم علیہ اجرا ... گفته‌اند: اقرار حسنه دوستی خاندان و آل پیغمبر صلی الله علیه و آله است. بیضاوی در تفسیر معروف خود در ذیل همین آیه نوشته است: از رسول خدا (ص) پرسیدند: این خویشاوندان چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندشان^۳.

آیه سیم - فمن حاجتک فیہ من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین^۴.

ترجمه: پس کسانی که (از پیروان عیسی ع)، باتو درباره عیسی به بحث و جدل پردازند، بعد از آن که بر تو بدلائل معلوم شده که او بنده خداست، به آنان یگو: بیاید تا بنخوانیم پسران ما و پسران شما، و زنان ما و زنان شما و خود ما و خود شما را سپس به مباحله (یعنی تفرین کردن بردو و غوگو) پردازیم. و لعنت خدا را بدو و غوگویان بفرستیم.

این آیه هنگامی نازل شد که پیغمبر چندین بار پیروان عیسی را باسلام دعوت کرد و آنان را از پرستش عیسی و اعتقاد بالو هیت وی سرزنش فرمود و در برابر این که عیسی بی پدر وجود آمده است و همین امر موجب اعتقاد به خدایی او شده بود، آدم ابوالبشر نیز بی پدر و مادر آفریده شده است، پیغمبر به آنان می فرمود که عیسی بنده بی ازبندگان خدا بوده که چون دیگر بندگان می خورد و می آشامید و می خوابید. مسیحیان که از مردم نجران بودند در برابر گفته های پیغمبر برستیز و لجاج خود باقی ماندند و دست از اعتقاد نادرست خود برنداشتند، از این رو پیغمبر آنان را به مباحله دعوت کرد و روش مباحله چنان بود که هر طرف گرامی ترین نزدیکان خود را با خود می آورد و آن گاه به مباحله می پرداختند. پیغمبر صلی الله علیه و آله از میان همه فرزندان و خویشان و نزدیکان و زنان خود، دو فرزند خود امام حسن و امام حسین و دختر گرامی خود فاطمه زهراء و

۳- ما خلاصه ای همان صفحه و انوار التنزیل و اسرار التاویل ص ۶۴۲، چ هفتمیه .

۴- سوره آل عمران، آیه ۶۱ .

نزدیکترین خویشاوند خود علی علیه السلام را که قرآن از او به نفس پیغمبر تعبیر کرده است باخویشتن همراه آورد .

در تفسیر این آیه که به آیه مباحله شهرت یافته است همه مسلمانان اتفاق دارند و کسانی را که پیغمبر برای مباحله با خود برد همان چهارتن بزرگواری که نام آنان ذکر شد می دانند و هیچکس در آن اختلافی ندارد .

چه سندی برای فضیلت و بزرگواری اهل بیت پیغمبر از گفته خداوند در این آیه قرآن گویاتر و روشن تر می توان یافت ؟

چنان که مفسران نوشته اند، مباحله صورت تگرفت و نصارای نجران حاضر به پرداخت جزیه شدند و از مباحله خودداری کردند . چون سبب را از بزرگ خود استغف نجران پرسیدند گفت: من حالت روحانیت و شکوهی در محمد و همراهان او دیدم که اگر لب به تفرین می گشودند یک تن از پیروان عیسی در روی زمین باقی نمی ماند.

زمخشری در کشاف حدیثی از امام المؤمنین عایشه در ذیل تفسیر این آیه نقل می کند که هم دلیلی روشن بر فضیلت اهل بیت است و هم نزول آیه تطهیر را درباره علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام تأیید می کند . عائشه در پیرامون آیه مباحله چنین گفته است: «پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله بیرون شد و کسانی از پشم سیاه بردوش افکنده بود چون حسن و حسین و فاطمه و علی آمدند آنان را نیز داخل کسا کرد و این آیه را قرائت فرمود: انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت» آن گاه زمخشری سؤالی بدین گونه ایراد می کند: مقصود از مباحله این بود که دروغو از میان پیغمبر و دشمنش آشکار شود و این از امور مختص بخود او و طرفش بود، دیگر چرا از فرزندان و زنان برای مباحله دعوت بعمل آمد؟ در جواب می گوید: این روش برای اثبات مدعی و این که پیغمبر در صدد گفتار خود هیچگونه تردیدی نداشت، استوارتر است زیرا پیغمبر جرات کرد که عزیزترین و محبوبترین کسان خود را که همچون پاره جگر او بودند در معرض چنان کار خطیری قرار دهد ... و از میان کسان خود فرزندان و زنان را اختصاص باین کار داد زیرا ایشان عزیزترین و نزدیکترین کسان وی بودند ... و نام آنان را در ذکر بر نام «انفس» (خود) مقدم آورد تا مردم لطف مکانت و قرب منزلت آنان را برساند ... و این بزرگترین

دلیل بر فضیلت اصحاب کساء علیهم السلام می باشد .

آیه چهارم - انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یتقون الصلوة و یؤتون الزکوة وهم را کفون .

۱ (ترجمه : همانا ولی (اولی بتصرف) شما خدا و پیغمبر خدا و کسانی است که ایمان آورده اند همان کسان که نماز می گزارند و در حال رکوع انفاق می کنند .)

۲ زمخشری در تفسیر این آیه چنین نوشته است : « این آیه درباره علی کرم الله وجهه نازل شده است ، هنگامی که نماز می گزارد و در رکوع بود ، سائلی از وی چیزی طلب کرد ، علی انگشتی خود را از انگشت در آورد و بوی بخشید . »

۳ پس از ذکر این قسمت ، این سؤال را طرح می کند : اگر گفته شود یا این که آیه در وصف علی است چرا بصورت جمع (الذین) آورده شده است ؟ جواب این است که اگر چه سبب نزول آیه يك مرد است ولی برای این که همه مردم ترغیب شوند تا درین کاریك بوی ناشی کنند به لفظ جمع آورده شده است .^۷

۴ آیه پنجم - واعتصموا بحبل الله جمعیاً ولا تفرقوا ... (آل عمران ۱۰۳) .

ترجمه : همگی شما در ریسمان خدا (دین یا کتاب خدا) چنگ زنید و پراکنده نشوید ...

۵ امام ثعلبی در تفسیر بزرگ خود بسندی که به ابان بن تغلب منتهی می شود ، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود : ما همان «حبل الله» هستیم که در قرآن کریم آمده است : واعتصموا بحبل الله جمعیاً .

۶ ابن حجر در پیرامون آیاتی که درباره اهل بیت نازل شده است ، در کتاب صواعق ،

فصل اول از باب ۱۱ ، آیه نامبرده را ، آیه پنجم از آیات نازل درباره اهل بیت شمرده است هم چنین گفته ثعلبی را که از امام جعفر صادق نقل شده در کتاب خود آورده است .^۱

امام شافعی نیز ، بنا بر نقل امام ابوبکر بن شهاب الدین در کتاب رشفة الضادنی اشعاری دارد که ، «حبل الله» را دوستی و موالات اهل بیت دانسته است :

و لما رأیت الناس قد ذهب بهم مداهبهم فی ابهر الفی والجهل

رکبت علی اسم الله فی سفن النجا وهم اهل بیت المصطفی خاتم الرسل

و امسکت «حبل الله» وهو لاؤهم كما قدامرنا بالتمسك «بالحبل»^۸

ترجمه : چون دیدم مردم در مدهاب خود بدریای گمراهی و نادانی فرورفته اند بنام خدا بر کشتی نجات سوار شدم آن کشتی اهل بیت حضرت مصطفی خاتم انبیاست و به «حبل خدا» که دوستی ایشان است چنگ زدم همان گونه که ما را به چنگ زدن به آن ریسمان فرمان داده اند .

در بیت دوم شافعی بحدیثی دیگر که درباره فضیلت اهل بیت است اشاره می کند و آن حدیث از ابوذر صحابی بزرگوار و صادق القول روایت شده است که پیغمبر فرموده مثل اهل بیته مثل سفینه نوح من رکبها نجا ومن تخلف عنها فرق .

ترجمه : اهل بیت من همچون کشتی نوح هستند هر کس بر آن سوار شود نجات می یابد و هر کس تخلف کند غرق می شود .

این حدیث در صحاح اهل سنت آمده است .^۹

آیه ششم - ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً ویتیمأ و اسیراً^{۱۰} .

۱- المراجعات - ملانہ تحریر سید شرف الدین عاملی ، ج نجف ، ص ۶۲ .

۲- فضائل الخمسة من الصالح السنة ، ص ۵ ، ج دوم .

۳- سورة دهر (هلانی) ، آیه ۸ شاعر اهل بیت شیخ کاظم ازری شان نزول سوره هلانی را با

این تعبیر لطیف و باصناعت ادبی (جناس نام) در ضمن قصیده یی بیان کرده است :

هلانی ، هلانی بدمخ سواهم ؟ لا و مولی بدمکرهم احلاها .

۴- تفسیر کشاف ، ج ۱ ، جار الله زمخشری خوارزمی (۶۷۷-۵۲۸ هـ) ، ص ۲۴ ، مجلد اول ، چ تهران .

۵- سوره مائده ، آیه ۵۵ .

۶- تفسیر کشاف ، ص ۶۲۴ .

این ابیر جزری در کتاب اسد الغابه (ج ۵ ص ۵۲۰) در شرح حال فطمه بسند از مجاهد و او از ابن عباس چنین آورده است: ابن عباس در تفسیر آیه کریمه: یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره مستطیرا.. ویطمعون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمما و اسیرا (ترجمه: به نذر خود وفا می کنند و از روزی که شر آن پراکنده و همه جانبه است می ترسند و در راه دوستی خدا به مسکین و یتیم و اسیب طعام می دهند). گفته است: حسن و حسین علیهما السلام را ناخوشی عارض شد، جد آنان، رسول خدا، صلی الله علیه و آله و عامه مردم غریب از آن دو عیادت کردند و به علی گفتند: یا ابا الحسن شایسته است برای بهبودی فرزندان تدری کنی. علی گفت: اگر بهبودی یابند برای شکر خداوند عزوجل سه روز هر روز شکر خواهم گرفت. فاطمه علیها السلام نیز بدان گونه سخن گفت. پس از فاطمه علیها السلام، فطمه کنیز آن حضرت گفت: اگر دوسرور من بهبودی یابند من نیز برای رهناسنگوازی خدا روزه می گیرم.

دوجوان لباس عافیت پوشیدند ولی در خانه آل محمد هیچ چیز از کم و زیاد یافت نمی شد. علی علیه السلام نوزد شمعون خبیزی رقت و ازوی سه صاع جو بقرض گرفت و آن را بخاله آورد. فاطمه یک صاع از آن را آورد کرد و از آن نان پخت.

علی به مسجد رفت و با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزارد، آن گاه بخانه آمد و طعام (یعنی همان گزده نان جو) در پیش وی گذارده شد تا روزه خود را بشکند. درین هنگام مسکینی بر درخانه ایستاد و گفت: درود بر شما ای خاندان محمد، من مسکینی از فرزندان مسلمانان هستم، مرا سیر کنید تا خدا شمارا از مائده های بهشت بسیر کند. علی علیه السلام فریاد او را شنید و فرمان داد طعام خودشان را به فقیر بدهند و آن شب و روز بعد بی طعام ماندند و فقط آب آشامیدند.

چون روز دوم شد فاطمه علیها السلام یک صاع دیگر را آورد و خمیر کرد و نان پخت. علی مانند روز پیش نماز را در مسجد با پیغمبر خواند و بخانه آمد و سفره طعام در پیشش نهاده شد هنوز به خوردن شروع نکرده بود که یتیمی آمد و از درخانه فریاد زد و گفت: ای اهل بیت محمد درود بر شما! یتیمی از فرزندان مهاجران که پدرش بدرجه شهادت رسیده است بر درخانه است. او را طعامی دهید. غذای خود را به او دادند و دو روز

جز آب چیزی نه چشیدند.

چون روز سیم شد فاطمه علیها السلام آخرین صاع جو را آورد کرد و نان پخت و علی مانند روزهای پیش به مسجد رفت و نماز را با پیغمبر خواند و بخانه آمد. نان جو را برای افطار در پیش روی گذاردند، درین هنگام اسیری بر درخانه ایستاد و گفت درود بر شما ای خاندان نبوت، بمن طعامی دهید زیرا من اسیر هستم، پس طعام خود را بوی دادند و سه روز و شب گرسنه بسر بردند و جز آب چیزی نه چشیدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بدیدن ایشان آمد و آثار گرسنگی را در سیمای آنان نمایان دید، درین وقت سوره هل اتی علی الانسان حین من الدهر... نازل گردید^{۱۱}.

ب - روایاتی از کتب معتبر علمای اهل سنت

و اشعاری از امام شافعی و برخی از شعرا

۱- صحیح ترمذی، جزء ۱۳، ج مصر.

یوسف بن موسی... از ابن عمر روایت کرده است که وی گفت: پیغمبر صلی الله علیه و آله میان اصحاب رشته برادری برقرار کرد. درین هنگام علی سر رسید و چشمانش از گریه تر بود، به پیغمبر خطاب کرد و گفت: یا رسول الله میان اصحاب برادری برقرار کردی و میان من و دیگری پیوند برادری نهستی. پیغمبر فرمود: تو در دنیا و آخرت برادر من هستی^{۱۲}.

(۱) فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۲۵۴ و ۲۵۵ به نقل از اسد الغابه، ابن ابیر جزری، ج ۴، ص ۵۴۰.

آیه مورد استناد: ویطمعون الطعام، آیه هشتم همین سوره است.

در تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۱۹۷، ج تهران نیز در تفسیر آیه: و جزاهم بما هم یروا جنة و حریرا ال

همین سوره داستان روزه گرفتن اهل بیت و آمدن مسکین و یتیم و اسیر به درخانه و انفاق اهل بیت طعام خود

را به آنان و نزول سوره مذکور (هل اتی) در شان اهل بیت با مختصر اختلافی، آورده شده است.

بیضاوی نیز در تفسیر موجز «مفید خود بنام: «انوار التنزیل و اسرار التأویل» در ذیل آیه مذکور

سفیان بن وکیع ... از انس بن مالک روایت کرده است که وی گفت: در پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله برغی (بریان) بود. فرمود: بار خدایا عزیزترین بندگانت را نزد من بفرست تا با من ازین مرغ بخورد. درین هنگام علی آمد و با او از مرغ تناول کرد^{۱۲}.
 ... درباره زیادی علم علی علیه السلام این حدیث از طریق خلاد بن اسلم ... از عبدالرحمن ابن عبدالله روایت شده است. وی گفته است: علی می گفت: هرگاه من از پیغمبر سؤالی می کردم پاسخ می داد و چون خاموش بودم او آغاز به سخن می کرد^{۱۳}.

۲- همان مآخذ:

قتیبه از جعفر بن سلیمان و او از ابو هرون و وی از ابوسعید خدری روایت کرده است، ابوسعید خدری گفته است: ما گروه انصار منافقان را از راه دشمنی آنان با علی بن ابی طالب می شناختیم ...

حدیث دیگری در همان کتاب از امام المؤمنین ام سلمه روایت شده است که وی گفته است: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم می گفت: هیچ منافقی علی را دوست ندارد و هیچ مؤمنی دشمن او نیست^{۱۳}.

۳- همان کتاب:

حدیثی از سفیان بن وکیع نقل شده است که سند آن به ابراهیم بن عازب منتهی می شود. براء گفته است: پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی بن ابی طالب گفت: تو از منی و من از توام^{۱۳}.

... همین حدیث از طریق اسمعیل بن موسی بدین گونه روایت شده است: پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: علی از من است و من از علی هستم. هیچکس دین مرا

داستان اطعام به مسکین و یتیم و اسیر را به نقل از ابن عباس به اختصار آورده است.

تفسیر بیضاوی، مطبعة عثمانیه، ص ۷۷۵، ۱۲۰۵ هـ

۱۲- صحیح ابترمذی، ص ۱۷۰

۱۳- صحیح ابترمذی، ص ۱۶۷، ۱۶۸

ادانمی کند مگر خودم یا، علی^{۱۴}.

حدیث دیگر درباره علی از طریق محمد بن بشار نقل شده است که پیغمبر فرمود: «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» (هر کس را من مولی (اولی بتصرف) باشم علی نیز مولای اوست)^{۱۵}.

این همان حدیث مربوط به غدیر خم است که همگی محدثان و دانشمندان شیعه در درستی آن اتفاق دارند و بیشتر محدثان و مورخان سنی نیز آنرا درست دانسته اند.

حسان بن ثابت شاعر معروف پیغمبر (ف. ۵۰ یا ۵۱ هـ) که خود واقعه غدیر خم را درک کرده درباره آن اشعاری سروده است که بخوبی معنی «مولی» و هدف پیغمبر را از آن اجتماع بزرگ و گفتن آن جمله تاریخی «من کنت مولاہ ...» که شیعه آنرا نتیجه تبلیغ رسالت و دلیل قطعی بر خلافت و امامت بلا فصل علی علیه السلام می داند، بخوبی روشن می کند، عین اشعار با ترجمه آنها در اینجا آورده می شود:

بنادیهم یوم الفدیر نبیهم	بختم ، و اسمع بالرسول مثادیا
و قال : فمن مولاکم و ولیکم	فقالوا ولم یبدوا هناك التعامیا :
الهک مولانا و انت ولینا	ولن تجدن منالک، الیوم، عاصیا
فقال له : قم یا علی فأنشی	رضیتک من بعدی اماماً و هادیا
فمن کنت مولاہ فهذا ولیه	فکونوا له انصار صدق موالیا
هناک دعا : اللهم وال ولیه	وکن للذی عادی علیاً ، معادیا

ترجمه اشعار :

پیغمبر روز غدیر ، در خم مردم را فراخواند

و چه نیکوست گوش دادن به ندای رسول^۱

گفت : کیست مولا و ولی شما؟

مردم ، بی آن که از خود نادانی نشان دهند ، گفتند :

۱۴- صحیح ابترمذی ، ص ۱۶۹

۱۵- همان مآخذ ، ص ۱۶۵

خدای تو ، مولای ما و تو ولی ما هستی

و امروز ، در میان ما ، عصیان کننده بی نخواهی یافت .

آن گاه به علی فرمود : بپاخیز ای علی خشنودم .

که پس از من ، تو امام و راهنما هستی

هر کس را من مولا هستم علی ولی اوست

پس شما همگی یاران و دوستان راستین او باشید .

آنجا ، پیغمبر دعا کرد : بار خدایا دوستان او را دوست بدار

و دشمنان او را دشمن بدار !

هنگامی که حسان اشعار خود را خواند پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم بوی گفت :

همواره ای حسان ، تا ما را به بیانات یاری می کنی . روح القدس یاورت باشد ! این اشعار را

بیشتر ، مورخان متصف شیعه و سنی در کتب خود آورده اند^{۱۶} .

۴- التاج (الجامع الاصول فی احادیث الرسول ص) : شیخ منصور علی ناصف ، جزء

۳ ، ج قاهره .

زید بن ارقم . روایت کرده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله و فاطمه و

حسن و حسین فرمود : من با آن کس که دشمن شما باشد دشمنم و با هر کس که دوست

شما باشد دوستم^{۱۷} .

۱۶- فضائل الخمسة ، ص ۲۰۶ ، جزء اول .

در همین کتاب سبب سرودن شعر بدین گونه بیان شده است :

حسان نزد پیغمبر صلی الله علیه و اله آمد و گفت : یا رسول الله آیا اجازه می دهی من درباره این واقعه

(داستان غدیر خم) شعری بگویم که مایه خشنودی خدا بشود ؟ پیغمبر فرمود : بگو ای حسان بنام خدا . پس

حسان بروی بلندی از زمین نشست و مسلمانان برای شنیدن اشعارش گردن کشیدند ، آن گاه شروع کرد

بخواندن اشعار خود .

* حسان ، پس از واقعه قتل عثمان در پیش آمدن جنگهای جمل و صفین از علی علیه السلام روزی

برگرداند و به دشمنان امام پیوست . دور نیست که پیغمبر صلی الله علیه و اله ازین جهت دعای بر او را محدود

کرده است به زمانی که از وی و خاندانش یاری کند .

۱۷- التاج ، ص ۲۱۰ .

حدیث دیگر از علی رضی الله عنه روایت شده است که پیغمبر دست حسن و حسین

را گرفت و گفت : هر کس مرا دوست بدارد و این دو پدر و مادرشان را دوست بدارد

روز رستاخیز در همان درجه که من هستم بامن خواهد بود^{۱۸} .

۵- همان کتاب :

از امام المؤمنین عایشه روایت شده است که از وی پرسیدند : پیغمبر خدا صلی الله

علیه و اله کدام یک از مردمان را بیشتر دوست می داشت ؟ پاسخ داد : فاطمه را . پرسیدند :

از مردان ؟ گفت : شوهر او و چنان که من او را می شناختم بسیار روزی گیر و نماز گزار بود^{۱۹} .

۶- همان مأخذ

مردی از اهل عراق از عبدالله بن عمر حکم خون پشورا که بزجامه (نماز گزار) باشد

پرسید . ابن عمر گفت : به این مرد بنگرید که از خون پشه می پرسد در صورتی که همین

مردم پسر پیغمبر را کشتند و من از پیغمبر خدا شنیدم که می گفت : حسن و حسین دو

گل بوستان من از دنیا هستند^{۲۰} .

۷- صحیح مسلم (با شرح نووی) جزء ۱۵ ، ج مصر .

حدیثی از قتیبه بن سعید و محمد بن عباد نقل شده است (و هر دو در لفظ بیکدیگر

نزدیک هستند) که منتهی می شود به عامر بن سعد بن ابی وقاص . وی از پدرش سعد

چنین روایت کرده است : سعد گفته است : معاویه بن ابی سفیان مرا به دشنام دادن به

علی فرمان داد و گفت چه چیزی مانع شده است که تو ابوتراب را دشنام دهی ؟ گفتم :

بسبب سه گفتاری که از رسول خدا (ص) درباره علی شنیدم هرگز او را دشنام نمی دهم .

همانا اگر یکی از آن سه مرا نصیب می شد نزد من بهتر از شتران موی سرخ بود . رسول

خدا (ص) در یکی از جنگها علی را بجنگ آورد و او را در مدینه جانشین خود گذارد . علی

گفت : یا رسول الله مرا با زنان و کودکان گلاروی ؟ پیغمبر بوی فرمود : آیا خشنود نیستی

۱۸- التاج ، ص ۲۱۰ .

۱۹- همان کتاب ، صفحه ۱۴ .

۲۰- همان مأخذ ، صفحه ۱۵ .

که نسبت تو بمن از جهت منزات مانند نسبت هارون به موسی باشد ، جز این که پس از من پیغمبری نیست ؟

نیز از پیغمبر روز جنگ خیبر شنیدم که گفت : همانا پرچم را به مردی خواهم داد که خدا و پیغمبر خدا را دوست دارد و خدا و پیغمبر خدا او را دوست می دارند ، پس همه گردنها بسوی پیغمبر کشیده شد تا آن مرد را به بینند . درین هنگام فرمود : علی را نزد من بخوانید . علی را آوردند و او به درد چشم مبتلی بود ، پس پیغمبر آب دهان خود را در چشم علی انداخت و روایت جنگ را بوی داد . علی به میدان رفت و خدا لشکر اسلام را بدست علی پیروز کرد .

۱۰ هم چنین هنگامی که این آیه : فقل تعالوا نذع ابناءنا و ابناءکم نازل شد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم ، علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و گفت : بارخدا یا اینان اهل بیت من هستند^{۲۱} .

آنچه درین گفتار از آیات قرآن کریم و روایات منقول از نبی اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت اهل بیت آورده شد نمونه بسیار مختصری از مجموعه فراوانی است . آیات قرآنی و احادیث نبوی که علمای اسلام در فضیلت اهل بیت در کتب تفاسیر و حدیث و صحاح آورده اند باندازه بی است که چندین کتاب پر حجم می شود .

۱۱ این مقدار که در اینجا آورده شد و همه از کتابهای صحاح و تفاسیر علمای بزرگ اهل سنت نقل شده است برای آگاهی کسانی است که گمان می کنند ، احادیثی که شیعیان درباره فضیلت و طهارت اهل بیت در کتب خود آورده اند ، فقط از طریق راویان و محدثان شیعه نقل شده است و تنها کتب علمای شیعه مشتمل بر آنهاست .

از شگفتیهای تاریخ آن است که با این همه آثار و اسناد درباره مقام اهل بیت خاصه علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و تصریح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به این که هر کس بایشان دشمنی ورزد مانند آن است که بخدا و پیغمبر خدا دشمنی کرده است

و این که منافقان دشمن آنان و مؤمنان دوستدار ایشان هستند ، معهلاً همان کسانی که این حدیثها را بفراوانی در کتب خود آورده اند و درستی اسناد و راست گفتاری راویان آن اخبار را تأیید کرده اند ، معهلاً کسانی امثال معاویه و عمرو عاص و نظایر آنان را که با علی خلیفه زمان جنگیدند و دستور دادند که او را بر روی منابر و خطبه ها لعن کنند ، فقط باستناد این که نام صحابه بایشان داده اند مردمی خوب می دادند و دشنام دادن و لعن آنان را گناهی بزرگ می شمردند !

در پایان این گفتار اشعاری از امام شافعی و چند تن دیگر که در مدح اهل بیت گفته اند برای حسن ختام آورده می شود :

ياراكبا قف بالمحصب من منى واهتف بقاعد خيفها و الناهض
ان كان رفضاً حبه آل محمد فليشهد الثقلان انى رافضى^{۲۲}

ترجمه : ای سواره ، در «محصب» منی بایست

و به کسانی که در «خیف» نشسته یا ایستاده اند فریاد بزن :

اگر دوستی آل محمد نشانه رافضی بودن است

پس همه جهانیان گواه باشند که من رافضیم

(محصب و خیف نام دو محل است در منی)

شعری دیگر :

ال النبى ذرىعتى و هم اليه وسيلتى
ارجو بهم اعطى غدا بيدى اليمين صحيفتى^{۲۳}

ترجمه : اهل بیت پیغمبر سبب رستگاری من هستند

و ایشان وسیله وصول من به پیغمبر می باشند

امید دارم بایشان که در قیامت نامه ام بدست راستم داده شود

۲۲- فضائل الخمسة ، ج اول ، ص ۸۰ به نقل از حلیة الاولیاء ابن نمیر ، ج ۹ ص ۱۵۲ .

۲۳- همان ماخذ ، ص ۸۱ به نقل از مواثق محرقة ابن حجر ص ۱۰۸ و نور الابصار شبلنجی ص ۱۰۵ .

۲۱- صحیح مسلم ، ص ۱۷۵ و ۱۷۶ .

هم از اوست

یا اهل بیت رسول الله جبکم
کفاکم من عظیم الفضل انکم
فرض من الله فی القرآن انزلہ
من لم یصل علیکم لاصلوة له^{۲۴}

ترجمه: ای اهل بیت پیغمبر خدا دوستی شما

از جانب خدا واجب است و قرآن بدان گویاست

پس است بزرگی فضیلت برای شما

که اگر کسی در نماز بر شما درود نفرستد نمازش قبول نیست

محبی الدین ، الشیخ الاکبر در فتوحات :

فلا تعدل باهل البیت خلقا
فیفضهم من الانسان خسر
فاهل البیت هم اهل السیادة
حقیقیة و جبهم عبادة^{۲۵}

ترجمه: هیچ آفریده‌ی را با اهل بیت برابر مکن

زیرا اهل بیت ، اهل بزرگی و بزرگواری هستند

هر کس که آنان را دشمن بدارد زیانکار است

و هر کس ایشان را دوست بدارد عبادت کرده است

شمس الدین بن عربی :

رایت ولائی آل طه فریضة
فما طلب المبعوث اجرا علی الهدی
علی رغم اهل البعد یورثی القربی
بتبلیغه الا المودة فی القربی^{۲۶}

ترجمه: من دوستی آل طه را واجب می‌دانم

بر خلاف مردمی که از حق دورند ، این دوستی مایه نزدیکی است

پیغمبر مبعوث پاداشی برای هدایت

بسبب تبلیغ رسالت نخواست مگر دوستی خویشاوندانش را

۲۴- المراجعات ملامه شرف الدین ، چشم ، نجف اشرف ص ۶۰

۲۵- فضائل الخمسة ، ج ۲ ص ۸۲ به نقل از نور الابصار ، ص ۱۰۵

۲۶- فضائل الخمسة ، ج ۲ ص ۸۲ به نقل از صواعق محرقة ابن حجر ص ۱۰۱

فرزدق شاعر شهیر عصر اموی در ضمن قصیده معروف : هذا اللی تمرف البطحاء

وطنته ، در مدح امام چهارم :

من معشر جبهم دین و بفضهم
ان عدل اهل التقی کانسوا ائمتهم
کفسرو قریبهم منجی و معتصم
او قیل : «من خیر اهل الارض؟» قیل : هم^{۲۷}

ترجمه: اینان از گروهی هستند که دوستی ایشان جزء دین

و دشمنی ایشان کفر است ، نزدیکی به آنان پناهگاه و موجب نجات است

اگر پرهیزگاران را در نظر بگیریم ، آنان پیشوا هستند

و اگر بپرسند: چه کسانی بهترین مردم روی زمین می‌باشند؟ گفته می‌شود: ایشان

پایان

در فراهم آوردن این گفتار از منابع زیر استفاده شده است :

- ۱ - تفسیر کشاف ، جارا الله زمخشری خوارزمی (۴۶۷-۵۳۸ ه) ، ج اول ، چ تهران .
- ۲ - تفسیر القرآن الکریم ، سید عبدالله شبر (ف ۱۲۴۲ ه) چ دوم قاهره ، ۱۹۶۶ م .
- ۳ - تفسیر جلالین (جلال الدین محمد بن احمد محلی و جلال الدین عبدالرحمن سیوطی) چ قاهره .
- ۴ - تفسیر مجمع البیان ، علامه طبرسی (ف ۵۴۸ ه) ، جزء ۱ و ۲ ، چ تهران .
- ۵ - صحیح ترمذی (ف ۲۷۹ ه) ، با شرح ابن عربی ماکی ، جزء ۱۲ ، چ مصر ۱۹۳۴ م .
- ۶ - صحیح مسلم با شرح نووی ، جزء ۱۵ ، چ قاهره .
- ۷ - التاج (الجامع للاصول فی احادیث الرسول) ، شیخ منصور علی ناصف از علمای بزرگ دانشگاه الازهر ، جزء سیم ، چ قاهره .